

شباهت ها و تفاوت های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت با روش پژوهش علمی

حکیمه السادات شریف زاده^۱، مریم حسن پور^۲

بیان مساله

پژوهش فرایند جستجویی است که هدف آن کشف یا تولید دانش یا ساختن نظریه، آزمودن، تایید، بازنگری یا ابطال نظریه و دانش و یا بررسی مساله برای تصمیم گیری می باشد. یکی از چالش های موجود در مسیر طراحی و اجرای پژوهش های تربیتی این است که پژوهشگران در انتخاب و به کارگیری رویکردهای پژوهش تنها یکی از رویکردهای پژوهش را انتخاب می کنند و رویکرد دیگر را مورد توجه قرار نمی دهند. این نکته قابل انکار نیست که ماهیت مساله در انتخاب رویکرد پژوهش نقش اساسی دارد. دو رویکرد در این زمینه مطرح هستند: رویکرد علت جویانه (علم) و رویکرد حکمت نظری (فلسفی). براساس رویکرد نخست که نمونه برجسته آن اثبات گرایی است چیستی پژوهش را باید در ویژگی کاربردی آن جستجو کرد. در مقابل در رویکرد دوم پژوهش تربیتی نمی تواند با روش هایی در قالب وسیله - هدف انجام پذیرد بلکه باید معطوف به بررسی عمل آدمی از حیث خصایص اخلاقی آن و ذات گرایانه بودن این خصایص انجام بشود (باقری، 1386: 4). روشنگری مشابهت ها و تفاوت های روش فلسفی با روش علمی امکان مقایسه و بررسی محدودیت های هر یک از آنها را فراهم می کند و این نوع آگاهی گامی به سوی باز اندیشی در کاربرد هر کدام از روش های تحقیق می باشد. با عنایت به این موضوع در این مقاله ضمن تبیین ویژگی های رویکرد های علمی و فلسفی، شباهت ها و تفاوت ها و ارتباط و مناسبت هر یک مورد بررسی قرار می گیرد. و نهایتاً استنتاج های لازم در استفاده از هر کدام از دو رویکرد در فلسفه تربیت به عمل می آید.

1- استادیار دانشگاه مازندران

2- دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه مازندران



سوالات پژوهش

- 1- رویکردهای علمی و فلسفی تحقیق چه هستند و چه ویژگی‌هایی دارند؟
- 2- تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو رویکرد چه می‌باشد؟
- 3- مناسبت‌ها و روابط این دو رویکرد چیست؟

چارچوب نظری

هرحوزه‌ای از علم، به اقتضای موضوع خود، روش خاصی را برای تحقیق و شناخت طلب می‌کند. در روایت اثبات‌گرایی نظر بر آن است که پژوهش تربیتی باید در پی تبیین و دست‌یافتن به سازوکارهای علت و معلولی در مورد پدیده‌های تربیتی باشد و سپس با کاربردی کردن دانش به دست‌آمده تغییرات مطلوب را در آنها اعمال کند (باقری، 1386: 51). گال و دیگران (1382) با تمایل اساسی به چنین رویکردی چهار نوع دانش که پژوهش‌های تربیتی فراهم می‌آورند را شامل: توصیف، پیش‌بینی، بهبود و تبیین پدیده‌های تربیتی می‌دانند. در این میان تبیین مهمترین این نوع دانش است به یک معنا این نوع دانش سه نوع دیگر را در برمی‌گیرد (گال، 1382: 26). اگر تصور تحلیلی در مورد علم را پای‌بند باشیم وحدت سه قسم دانش تعلیم و تربیت ممنوع است. دانش تعلیم و تربیت، فلسفه دستوری تعلیم و تربیت و دانش عملی تعلیم و تربیت (پداگوژی) و به تبع آنها سه نوع روش پژوهش در تعلیم و تربیت مورد نظر است. فلسفه دستوری به بررسی تحلیلی در مورد جنبه‌های ارزشی آشکار در اهداف و محتوا و سازمان آموزشی می‌پردازد. پژوهش در این نوع از دانش تربیتی باروش‌های منطقی و تحلیلی انجام می‌شود. علم تعلیم و تربیت همان الگوی مورد نظر علوم تجربی و طبیعی است. دانش تعلیم و تربیت؛ به قصد و هدایت عمل تنظیم می‌شود (باقری، 1376: 70). بنابراین بررسی فلسفی درمورد ارزش‌هایی است که به منزله اهداف و آرمان‌های تربیتی لحاظ می‌شوند. و بخشی از پژوهش‌های تربیتی را تشکیل می‌دهند. این دسته از پژوهش‌های تربیتی، باروش عقلانی و منطقی به انجام می‌رسند (باقری، 1386: 71).



روش

برای بررسی موضوع از روش تحلیلی-استنتاجی استفاده شده است. در این روش پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها و کسب نتایج پژوهشگر باید تصمیم بگیرد که با این نتایج چه اطلاعاتی فراهم می‌آید. نتایج باید خلاصه و به هم مرتبط شود، تجزیه و تحلیل‌ها باید تفسیر گردد و استنتاج‌ها باید با توجه به مسأله پژوهشی توصیف شود (خوی‌نژاد، 1380: 19).

یافته‌ها

سؤال اول پژوهش: پژوهش علمی عبارت از هر اقدام منطقی برای کشف جوهر هر پدیده براساس مفهوم سازی منطقی است. فلسفه از علوم مبنایی و بنیادین در معرفت بشری شمرده می‌شود. معمولاً فلاسفه به پی‌جویی حقایق هستی و وجود و لوازم و عوارض آن پرداخته‌اند. در فلسفه پژوهشگر در مقام انسان به مطالعه انسانهای دیگری پردازد و این تجانس میان پژوهشگر و موضوع پژوهش از بسیاری جهات موجد تفاوت‌هایی در دو عالم معرفت و طبیعی و انسانی خواهد بود (شعبانی و رکی، 1385: 19). تفاوت فلسفه با به‌شیوه و روش تحقیق آن است. روش فلسفی روش عقلانی است و هر مسأله‌ای که به شیوه عقلانی از آن بحث شود فلسفی است. اما قضایای علمی قضایایی هستند که از طریق حس به آمده و در نهایت نیز با آزمون و تجربه اثبات می‌شوند. یک ویژگی عمده موضوعات فلسفی ابدی و همیشگی بودنشان است.

سؤال دوم پژوهش: در مورد تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو رویکرد می‌توان به این موارد اشاره نمود: در رویکرد علمی فرضیه‌ها به صورت قیاسی، عینی و دقیق بیان می‌شود، اما فرضیه‌های پژوهش فلسفی به صورت استقرایی و کل‌نگر صورت بندی می‌شود. در رویکرد علمی، بررسی پژوهش عمدتاً قبل از شروع پژوهش انجام می‌شود. در پژوهش فلسفی، مرور پیشینه به اختصار قبل از شروع، ولی در جریان پیشرفت به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پژوهش علمی، موقعیت گسترده و وسیع است. در حالی که موقعیتی که برای پژوهش کیفی تعریف می‌شود، محدودتر است. در رویکرد علمی، طرح پژوهش چارچوب کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده دارد. طرح پژوهش فلسفی استاندارد شده نیست و در جریان پژوهش پیشرفت و تحول می‌یابد. در رویکرد علمی روش‌های پژوهش شامل شیوه‌های آزمایشی تجربی و آماری است. در پژوهش



فلسفی عمدتاً گزاره‌ها تحلیل می‌شوند، تحلیل داده‌ها فرآیندی مداومی است که طی پژوهش انجام می‌شوند و به صورت استقرایی است.

سوال سوم پژوهش: باوجود تفاوت روش‌های علمی و فلسفی تمایز دقیقی بین فلسفه و علم وجود ندارد. فهم عمیق روش‌شناسی پژوهش و اجرای تحقیقات به واقع ثمربخش نیازمند دست‌یابی به یک ادراک فلسفی روشن از مسایل است. پژوهش‌نوآورانه در تعلیم و تربیت بدون دانش وسیع و بدون خردمندی و آشنایی با بنیادهای حکمت و فلسفه علم امکان‌پذیر نیست. دانش‌عینی و فلسفی همیشه درهم تنیده و جدایی‌ناپذیر از یکدیگرند. زیرا به دو سطح از سوالات پاسخ می‌دهند فلسفه به سؤالاتی از قبیل: حدود و معرفت، کارکرد موجود و مطلوب دانش و.. دانش علمی، به سؤالاتی از قبیل بررسی‌های توصیفی، رابطه‌ای و تجربی پاسخ می‌دهد (لطف آبادی، 1386: 49).

نتیجه‌گیری

توجه بیشتر به انسجام و اتحاد میان دستاوردهای علوم تربیتی از یک سو و بسط تفکر درباره هدف‌های تربیتی از سوی دیگر، به فلسفه تربیت نیازمند است تا مسائل تربیتی به شیوه تحلیلی بررسی و راه‌حلی برای آن پیدا شود. فلسفه تربیت به عنوان یک زمینه‌فرارشته‌ای باید الزامات این همراهی را فراهم سازد. رسالت فلسفه تربیت، از یک سو پرداختن به زمینه‌های پژوهش تربیتی از نوع علمی-تجربی و روشن ساختن مفروضات آنهاست و از سوی دیگر مربوط به تحلیل و تفسیر و بسط مفاهیم رایج درگفتمان تربیتی در ارتباط با یافته‌های پژوهش تربیتی می‌باشد. با وجود تفاوت میان رویکرد‌های علمی و فلسفی، این دو رویکرد دارای مناسبت‌ها و روابط بسیاری هستند. تاکید بر یک رویکرد زمینه‌ناپیوستگی شناخت‌ها را فراهم می‌کند. بنابراین هر دوی آنها در رساندن جامعه‌ی علمی به نتیجه قابل قبول مکمل هم می‌باشند.

واژگان کلیدی: پژوهش، تعلیم و تربیت، پژوهش علمی، پژوهش فلسفی



منابع

- 1- باقری، خسرو (1386)، پژوهش تربیتی: چیستی و روش‌شناسی. تهران: فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره 21، ص 49-76.
- 2- شعبانی ورکی، بختیار (1385)، منطق پژوهش در علوم تربیتی و اجتماعی، مشهد: انتشارات به نشر.
- 3- ضرغامی، سعید (1390)، فلسفه پژوهش تربیتی، پژوهش‌نامه تعلیم و تربیت، شماره 1، صص 75-97.
- 4- Mingers, John (2001) Combining research methods: towards a pluralist methodology. *Informatics*, vol 12 pp240-259.
- 5- Sayer, Andrew (1992) *Method in Social Science*. 2nd ed. London: Routledge.